

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان : قضاوت زن در اسلام

نام درس : فقه

استاد : خانم فریدونی

محقق : فرشته بودلایی

حوزه علمیه خواهران قروه

بهار ۹۳

فهرست مطالب

چکیده.....	۲
مقدمه.....	۳

فصل اول : مفهوم

شناسی.....

۴.....

۱-۱ معنای لغوی

قضا.....

۵.....

۲-۱ قضا در اصطلاح فقهای

امامیه.....

۵.....

۳-۱ تعرف

قاضی.....

۵.....

۴-۱ انواع

قاضی.....

۷.....

۵-۱ انواع قضاوت و

دادرسی.....

۷.....

۶-۱ نگاه به زن در گذشته و حال و نظر

اسلام.....

۸.....

فصل

دوم

:

اهمیت

قضاوت

زن.....

۱۱.....

۱-۲ اهمیت قضاوت در

اسلام.....

۱۲.....

۲-۲ اهمیت مقام قضا از دیدگاه

قرآن.....

۱۲.....

۲-۳ شرایط قاضی در

اسلام.....

۱۳.....

۲-۴ شرایط و خصوصیات قاضی در فقه

شیعه.....

۱۴.....

۵-۲ قضاوت زن در

اسلام ۱۵.....

۶-۲ دیدگاه فقهای امامیه نسبت به قضاوت

زن ۱۶.....

۷-۲ قضاوت زن در نظام جمهوری اسلامی

ایران ۱۹.....

نتیجه ۲۰.....

منابع و

مآخذ ۲۲.....

چکیده :

موضوع این تحقیق قضاوت زن از دیدگاه اسلام می باشد. وقتی عرف اجتماعی و سنت های قدیمی و فرهنگ مرد سالاری ، اداره و رسیدگی به امور منزل و خانه داری ، بچه داری را تماماً به عهده زنان بگذارد طبیعی است که زن در تمام عمر خود ، در محدوده خانه محصور می ماند و فرصت پرداختن به مشاغل یکدیگر را از دست می دهد. و فرضیه ای که در اینجا مطرح شده از نظر اسلام ، زن دارای شخصیتی مساوی شخصیت مرد در آزادی اراده و عمل از همه جهات می باشد و با مرد تفاوتی ندارد مگر آن که مقتضای روحی مختص زن باشد و زن دارای حیات احساسی است و زندگی مرد یک زندگی عقلانی است و بنابراین زن ، از مناصب قضاوت و حکومت و مباشرت در امر قتال [جهاد] محروم شده زیرا این سه امر از اموری هستند که باید مبتنی بر تعقل باشند نه احساس و سؤال اصلی این تحقیق این گونه می باشد که یکی از وجوه زندگی اجتماعی تمام انسان ها آزادی و بالتبع انتخاب آزادانه شغل و کار است و هر شخص اعم از زن و مرد حق دارد هر شغلی را که مایل است و در آن مهارت دارد انتخاب کند و

بدان مشغول شود و علی الاصول هیچ مانع و ایرادی جز رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه نباید در مسیر افراد قرار داشته باشد. و این تحقیق از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول - مفهوم شناسی ، بخش دوم - اهمیت قضاوت زن.

کلید واژه ها : قضا ، عقل ، قاضی ، ایمان ، عدالت ، مرد

مقدمه :

بدیهی است محروم نمودن افراد به دلیل جنسیت خلاف عدالت اجتماعی محسوب می شود لذا باید موازینی که منتهی به حذف عده ای از شهروندان به دلیل تبعیضات جنسیتی یا سایر مصلحت اندیشی ما می گردد مورد بازنگری و بررسی مجدد قرار بگیرند.

برهمن اساس که قضاوت زن یکی از مهمترین مباحث مهم بنیادین محسوب می شود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی از دو منظر مناقشه برانگیز است.

از یک طرف کسانی با توسل به مبانی فقهی و دینی و تعریف خاص از قضاوت معتقدند که بر اساس تعالیم شرع انور اسلام برای امر قضاوت یک سری خصوصیات و شاخصه هایی ارائه و تبیین شده که جنسیت و تفکیک بین زن و مرد از عهده وجوه ممیز آن تلقی می شود.

از طرف دیگر عده ای معتقدند که قضاوت زن مانند سایر حقوق اجتماعی از مصادیق آزادی های عمومی و حقوق شهروندی است و متمم و مکمل اصل آزادی عمومی است و جزء لاینفک حقوق بشر محسوب می گردد.

فصل اول

میرزای قمی و محقق اردبیلی دو تن از فقهای متقدم بر خلاف نظر اکثریت فقها در شرط قضاوت زن معتقد به جواز هستند.

مولی ابوالقاسم گیلانی معروف به میرزای قمی در کتاب بر ارج غنائم الایام و مولی احمد اردبیلی در کتاب مجمع الفائده و الرهان دلایل خود را بیان داشته است که جایز می باشد.

۲-۷) قضاوت زن در نظام جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران با استناد به برخی از آیات قرآن و پاره ای احادیث و روایات و منابع فقهی شیعه و اعتقاد و به اجماع مسلم در منع قضاوت زنان، و این که زنان شرعاً حق قضاوت ندارند، موجبات تغییر شرایط گذشته به عمل آمد و لذا علاوه بر آن که استخدام قاضی زن متوقف شد، برای تبدیل وضعیت اشتغال قضاوت زن موجود در کشور نیز اقدامی به این شرح صورت گرفت:

تصویب نامه درباره تبدیل رتبه قضایی بانوان به رتبه اداری مصوب ۱۳۵۸/۷/۱۴ دولت موقت جمهوری اسلامی ایران به موجب این مصوبه زنانی که با رتبه قضایی در وزارت دادگستری اشتغال دارند و رتبه آنان از طرف حیات تصفیه آن وزارتخانه تثبیت شده است، در صورت تقاضای آنان به شرکت ملی نفت ایران و سایر شرکتهای وابسته به دولت، بانک مرکزی و سایر بانکها، وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی منتقل می گردند و رتبه قضایی آنان را با رعایت مقررات به رتبه اداری تبدیل کنند. در این تبدیل رتبه نباید به هیچ وجه از مجموعه حقوق و مزایای رتبه قضایی مفتقلین کاسته گردد.

نتیجه گیری :

یکی از مسائلی که به ویژه در سال های اخیر از نظر فقهی مورد توجه قرار گرفته است مسئله شایستگی و یا عدم شایستگی زنان برای تصدی مسئولیت قضاوت از نظر شرعی و فقهی است . شرط ذکوریت [مرد بودن] در قاضی هر چند مورد اجماع فقها است اما این امر موضوعی نیست که پرونده بازنگری علمی آن در چهارچوب موازین بررسی مسائل شرعی ، بسته باشد.

در گذشته زن مسئولیت انجام امور خانه را بر عهده داشته است ولی اکنون با توجه به تغییر شرایط فعلی در جامعه و حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی باعث شده تا فقها بتوانند به این موضوع بعنوان یکی از مسائل مستحدثه زمانه بنگرند و با ارائه تعریفی نو از مسئله به حل آن پردازند . فلذا ضروریست که راجع به این قضیه تجدید نظر نمایند.

به هر حال در تأیید سخنان برخی از بزرگان می توان گفت که دانش فقه ما دانش جدید و امروزی نیست و معمولاً بحث ها از گذشته تا امروز باقی مانده است و از آنجاییکه اسلام دین پویایی و متناسب با تمامی ادوار و زمانه هست ضروریست تا بعضی از مسائل جدید مانند شایستگی زنان برای تصدی منصب قضاوت مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

به عنوان یک راه حل به نظر می رسد که بتوان اعلام داشت که با توجه به شرایط فعلی قضاوت در ایران عمل قضایی قضات که انطباق عمل با مصادیق قانونی است قضاوت شرعی محسوب نمی شود تا زنان را از آن منع نمود بلکه عمل آنان نوعی از داوری است که اجتهاد ، حکومت و ولایت شرعی را نمی توان به این عمل اطلاق نمود. از طرف دیگر در کلیه آرا و فتاوی علمای بزرگ مراد از قضاوت ، شأن یا شئونی از ولایت فقها مورد نظر بوده که با توجه به اینکه اغلب قضات فعلی غیر مجتهد و مأذون می باشند ، راه یابی زنان به عرصه این نوع از قضاوت نایستی مغایرتی با قواعد شرعی داشته باشد.

از جانب دیگر قضاوت در ایران در چارچوب سیستم دادرسی سلسله مراتبی دادگاه های تالی و عالی تعریف شده و اغلب احکام صادره قضات مورد تجدید نظر خواهی قرار گرفته یا قابلیت تجدیدنظر خواهی را داراست به این مفهوم باید رأی را به دادگاه عالی عطف داد و می توان در محاکم عالی زنان را با مردان شریک قرار داد و امکان اعمال عمل قضایی را متصور دانست . یا آنکه همانند برداشت مناسبی که در حال حاضر از قضاوت در مرحله دادرها به عمل آمده عالی الاصول اقدامات کارکنان قضایی دادرها عمل قضایی محسوب نمی شود بلکه نوعی از اقدامات بازدارنده است که قضاوت محسوب نشده و بدرستی می توان زنان را در این قبیل مناصب بکارگیری نمود.

بهر حال اقتضائات جدید جامعه ایران ، تعهدات بین المللی و نیز جلوگیری نمودن از به زیر سؤال بردن اسلام توسط نا آگاهان امری است که باید به آن توجه کافی مبذول داشت.

امید که موجبات اجرایی این قبیل مباحث در سطح جامعه نیز فراهم و قشر بانوان از امکانات مناسب اشتغال بهره مند گردند.

منابع و مأخذ:

- ❖ قضا و قضاوت در اسلام تألیف فقیه عالی قدر حضرت آیه اله محمدی گیلانی
- ❖ زن در اسلام ؛ علامه سید محمد حسین طباطبای ، ۱۳۸۴
- ❖ مجموعه قوانین اساسی مدنی ، غلامرضا حجتی شریفی ، گنج دانش ، چاپ چهارم ، ۱۳۷۸
- ❖ کتاب زنان - فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی. ۱۳۸۴
- ❖ جایگاه بانوان در اسلام ، آیت اله العظمی حسین نوری همدانی
- ❖ زن در آئینه جلال و جمال . آیه الله عبدالله جوادی آملی ، زنان الگو در قرآن
- ❖ تفسیر المیزان ج ۴
- ❖ جواهر الکلام / شیخ محمد حسین نجفی . جلد ۴۰
- ❖ قانون اساسی ایران
- ❖ شیخ طوسی در کتاب مبسوط
- ❖ ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن طی در کتاب شرایع الاسلام
- ❖ موسوی خمینی . امام خمینی . تحریر الوسيله
- ❖ شهید ثانی . زین الدین بن علی بن جبعی ، مسالك الافهام

❖ محقق سبزواری در کفایه احاکم